

پیشخوان

نگاهی به

«خاطرات دکتر محمودصلاحی»

اردویی که برای دانش آموزان تحول آفرین است

■ **محمد رضا کائینی**



اسلامی اشارت رفته است. این مجموعه توسط رضا بسطامی و سمیه حدادی تدوین شده و مرکز استاد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته است.
راوی در بخشی از اوگوه‌های خویش، به تأثیر اردوهای جهادی بر دانش‌آموزان آورده‌های آن برای مناطق محروم و نیز جوانان سفرکننده اشاره کرده و در تبیین آن آورده است:

«یکی از زیباترین خاطراتم در بسیج سازندگی، مربوط به فروردین نخستین سالی است که تعدادی دانش‌آموز بسیجی دبیرستان سروش را به بخش دلگان ایرانشهر واقع در استان سیستان و بلوچستان اعزام کردیم. در آن مقطع دفتر بسیج سازندگی، در یوسف‌آباد بود و دبیرستان سروش بالطبع خانواده‌های این دانش‌آموزان، اوضاع مالی بهتری نسبت به مناطق دیگر داشتند. آنان برنامه‌های مختلفی برای تعطیلات نوروز خود در نظر گرفته بودند، اما فرزندانشان با اشتیاق فراوان اردوی بسیج را انتخاب کرده و راهی مناطق محروم و دورافتاده شدند. همان‌گونه که مقام‌معلم رهبری پیش‌بینی کرده بودند، خودسازی عمیقی در وجود تک‌تک این داوطلبان شکل گرفت که خانواده‌هایشان به حیرت درآمدند! تعطیلات پایان یافت و دانش‌آموزان از اردوی سازندگی بازگشتند. روزی پدر یکی از آنها آمد و گفت آقای صلاحی! با فرزند چه کرده‌اید که تا این حد تغییر کرده‌است؟ ابتدا تعجب کردم و فحتم چطور مگر؟



▼ **نمایی از حضور دانش‌آموزان در یکی از اردوهای جهادی**

چه تغییری کرده؟ گفت نوروز امسال قرار بود که ما خانوادگی به دبی سفر کنیم، اما پسرم قصد اردوی بسیج سازندگی کرد و همراههمان نیامد. این مسئله برای ما بسیار عجیب بود که اردوی یک روستای دورافتاده را به مسافرت خارج از کشور ترجیح داده است. نکته جالب اینجاست که پس از بازگشت از سفر، خوش‌خلق و پسندیده کردار شد. درحالی‌که پیش از آن پنهان‌جو و ناراضی بود و مثلاً به هر غذایی اصرار می‌گرفت. الان هر وقت احساس گرسنگی می‌کند، خودش غذای ساده‌ای آماده می‌کند و می‌خورد، بی آنکه پنهان‌های بگوید! همچنین رفتارش با خانواده و دوستانش، بسیار بهتر شده است. پدر آن آموزم زمین گفتن این مسائل، از همه دست‌اندرکاران تشکر کرد و رفت. این ماجرا برایم بسیار جالب بود، بنابراین دانش‌آموزان را دعوت کرد م تا نظر خودشان را درباره اردو بدانم و پیامدها و آثارش را از زبان آنها بشنوم. دانش‌آموزان گفتند وقتی آنجا رفتیم، تازه فهمیدیم باید قدر زندگی خود را بدانیم... چه بسیار مردمی هستند که از پیش یافتنده‌ترین امکانات بی‌بهره هستند، دیدیم بعضی مردم نمیایندارند! با پول توجیبی‌های خود برای آنها دمپایی، قند و جای خریدیم، مسجد و مدرسه روستا، کبری و یا مصیری بود که با هماهنگی سازمان، برای آنها مسجد و مدرسه ساختیم. چنانچه اوقات فراغتی دست می‌داد، به بچه‌هایی که در درس‌های خود ضعیف بودند، کمک می‌کردیم... خلاصه این نوجوانان با کمک‌هایشان، هم باعث آبادانی روستا و هم موجب شادی مردم شده بودند. دیگر آنکه دانش‌آموزان فهمیده بودند که در روستاها، هموطنانی دارند که به لحاظ امکانات رفاهی و بهره‌های مادی، در پایین‌ترین سطح زندگی قرار دارند، بنابراین باید به خاطر وضعیت زندگی خود شکر گزار بوده و قناعت پیشه کنند...»

عاریخ

تاریخ ۶۰۰۸۵۲۳



تشکل‌های زنان از بدو مشروطیت، کار کردها و پیامدها

گروه‌هایی که جملگی

در ترویج کشف حجاب اشتراک داشتند

■ **سمانه صادقی**
پاژخوانی کارنامه تشکل‌های زنان از دوره مشروطیت تا پایان حاکمیت رضاخان، عبرت آموز می‌نماید. به ویژه آنکه رویکرد آموزر داعیه‌داران خودخوانده زنان ایرانی، با تلاش گذشتگان مماس شده است! در مقال پیی آمده، تاریخچه این تشکله‌ها روایت و تحلیل شده است. امید آنکه مفید و مقبول آید.

■ **کدام حیوانی آن هم یک شبهه، ۵۰۰ حزب در ایران در ست کرده است؟**
همانگونه که استناد و شواهد نشان می‌دهد، استعمار انگلیس تقریباً از اواخر دوره صفویه، فعالیت تحقیقاتی خود را در دیگر کشورها آغاز کرده است. از اقدامات این دولت برای نفوذ در کشورهای دیگر و به خصوص ایران، اعزام مسیونرهای مذهبی و افرادی در قالب تاجر به این ممالک بود. قدم بعدی آنان در ایران عبارت بود از: ۱- برپا ساختن تشکیلات فراماسونری، ۲-تشکیل احزاب و انجمن‌هایی چون: انجمن اخوت، جامعه آدمیت، کمیته مجازات، ۳- تأسیس فرقی چون بیبی‌گری، ازلی‌گری و بهایی‌گری. در واقع استعمار انگلیس پس از انقلاب مشروطه برای دستیابی به اهداف خود، از طریق این تشکل‌ها و انجمن‌ها، فضای سیاسی کشور را در اختیار گرفت. ایجاد انجمن‌ها و احزاب در این دوره به قدری افزایش یافتند که طبق اسناد تعداد آنها به ۵۰۰ انجمن، حزب و سازمان رسید و این رشد از دید بسیاری از روشنفکران آن دوره، امر تحسین‌برانگیزی می‌نمود. تا جایی که دهخدا در نامه‌ای به طابوقف، از وی می‌خواهد که به ایران بیاید، چراکه ایران ترقی کرده و تحولاتی در آن به وجود آمده است! اما طابوقف در پاسخ به او می‌نویسد: «کدام حیوانی آن هم یک شبهه، ۵۰۰ حزب در ایران در دست کرده است؟ پیدایی یک حزب مقدماتی می‌خواهد!»

■ **بر کشیدن تشکل‌های زنانه در ایران**
نکته جالب توجه این است که در این دوره، کم‌کم مردانه ایجاد می‌شوند. این انجمن‌ها نیز در تلاش برای مشروطه‌خواهی حضور فعال داشتند، هر چند که در اغراض پیدایش به دلیل نبود شرایط فرهنگی و اجتماعی مناسب، اغلب به شکل سری و مخفیانه عمل می‌کردند. بنابراین در مورد چگونگی سازماندهی ارکان جمعیت‌های فوق، اطلاعات دقیقی در دست نیست. مورگان شوستر در خصوص پیدایش چنین انجمن‌هایی، در کتاب خود می‌نویسد: «گر در اروپا و آمریکا زنان تشکلیک انجمن می‌دهند، جای تعجب نیست، اما زنان مسلمان و روسته ایران، در انجمن‌ها فعالیت سری انجام می‌دهند!» اغلب مؤسسان این انجمن‌ها، از زنان مشنوب به خانواده‌های اشراف و سیاسیون وقت بودند که با توجه به گرایشانشان، این مسئله نقش تعیین‌کننده‌ای در ماهیت این تشکل‌ها داشت. از جمله این زنان:

■ **انجمن حریت نسوان**
از دیگر انجمن‌هایی که در سال ۱۲۸۶ تأسیس می‌شود، «انجمن آزادی زنان» یا حریت‌نسوان است. از نکات جالب توجه در خصوص این انجمن، عضویت و شرکت مردان در جلسات آن است. از آنجا که زن ایده‌ال اینگونه انجمن‌ها، زن غربی بود، مؤسسان این انجمن به بهانه آموزش آداب معاشرت، حضور در جامعه و بالا رفتن اعتماد بنفس، از اعلام می‌کردند.

■ **انجمن غیبی نسوان**
در سال ۱۲۸۶، «اتحادیه غیبی نسوان» در تهران تأسیس شد، اما اطلاع دقیقی از اینکه چه کسانی این اتحادیه را تشکیل دادند، در دست نیست. گفته می‌شود که اعضای این اتحادیه، توجه خاصی نسبت به تصویب قوانین مشروطه داشته و نظرانشان را توسط روزنامه‌ها اعلام می‌کردند.

■ **بر کشیدن تشکل‌های زنانه در ایران**
نکته جالب توجه این است که در این دوره، کم‌کم مردانه ایجاد می‌شوند. این انجمن‌ها نیز در تلاش برای مشروطه‌خواهی حضور فعال داشتند، هر چند که در اغراض پیدایش به دلیل نبود شرایط فرهنگی و اجتماعی مناسب، اغلب به شکل سری و مخفیانه عمل می‌کردند. بنابراین در مورد چگونگی سازماندهی ارکان جمعیت‌های فوق، اطلاعات دقیقی در دست نیست. مورگان شوستر در خصوص پیدایش چنین انجمن‌هایی، در کتاب خود می‌نویسد: «گر در اروپا و آمریکا زنان تشکلیک انجمن می‌دهند، جای تعجب نیست، اما زنان مسلمان و روسته ایران، در انجمن‌ها فعالیت سری انجام می‌دهند!» اغلب مؤسسان این انجمن‌ها، از زنان مشنوب به خانواده‌های اشراف و سیاسیون وقت بودند که با توجه به گرایشانشان، این مسئله نقش تعیین‌کننده‌ای در ماهیت این تشکل‌ها داشت. از جمله این زنان:

■ **انجمن مخدرات وطن**
پس از انحلال انجمن آزادی زنان، «انجمن مخدرات وطن» به ریاست بانو آغابگیوم، در سال ۱۲۸۹ تشکیل می‌شود. به گفته بدرالملوک بامداد، «صدیقه دولت آبادی، سمت رئیس انجمن مخدرات وطن» را بر عهده داشت. این انجمن هم هدف خود را دفاع از استقلال کشور، مخالفت با وام از بیگانگان و مصرف کالاهای خارجی و تبلیغ و مصرف کالاهای داخلی اعلام کرد. اما در پس این شعارها مجری اهداف غرب بود؛ چراکه برای اولین‌بار در ایران، اقدام به برگزاری مجالس ساز و آواز و رقص نمود؛ در این مجالس در کنار سخنرانی، نمایشنامه، برنامه‌های تفریحی و سرگرم‌کننده نیز توسط هنرمندان ارمنی اجرا می‌شد.

■ **انجمن شکوفه**
مریم عمید (مزمین السلطنه) از جمله زنانی بود که در سال ۱۲۹۲ در کنار تأسیس روزنامه شکوفه، «انجمن شکوفه» را نیز تأسیس کرد. هدف این انجمن هم مانند دیگر انجمن‌های زنانه آن دوره عبارت بود از: ترویج مصرف‌اشیای ساخت ایران، ترقی صنایع هنری دختران و شاگردان مدارس، کسب تربیت علم و هنر. تبلیغات این انجمن چنان بود که با گذشت پنج هفته از تأسیس آن، ۵ هزار زن به عضویتش در آمدند!

■ **جمعیت نسوان وطن‌خواه**
در سال ۱۳۰۱ «جمعیت نسوان وطن‌خواه»، به همت محترم اسکندری، نورالهدی منگنه، مستوره افشار و فخر آفاق پارسا تأسیس شد. ایده تشکیل نسوان وطن‌خواه، برای نخستین‌بار در جلسه‌ای شکل گرفت که احتمالاً در خانه نورالهدی منگنه بوده است. او در از خاطرات خود می‌نویسد که همیشه دوست داشت اقدامی برای

بانوان عضو می‌خواستند که در جلسات و حضور مردان سخنرانی کنند.بدرالملوک بامداد در کتاب «زن ایرانی از مشروطه تا انقلاب سفید» در خصوص این تشکل می‌نویسد: «پیش از آنکه آنتن جنگ بین‌الملل اول روشن شود، تعدادی از مردان و زنان ایران به واسطه مسافرت به خارج و تماس با اروپاییان، تاندازهای با تمدن جدید آشنا شده بودند. جمعی به فکر افتادند تا وسیله‌ای برانگیزند که زنان این سازمان را به معاشرت و حضور اجتماعی هم مردان در آن شرکت دارند، عادت بدهند و به مسائل اجتماعی وارد کرده و علاقه‌مند سازند. پس از مدتی شور و تبادل افکار، چنین نتیجه گرفتند که انجمن آزادی زنان را تشکیل بدهند.» بدرالملوک بامداد در ادامه توضیح می‌دهد: «جلسات این انجمن هر دو هفته یک بار برگزار می‌شد. پدران و برادران، دختران و خواهران خود را همراهی می‌کردند و زنان در معیت شوهران خود، به سخنرانی انجمن می‌رفتند و افراد مجرد که کسی را همراه نداشتند، از حق ورود به جلسات محروم بودند و این اولین اجتماع زنان و مردان بود. در جلسات انجمن، زنان در مورد مسائل مختلف به بحث می‌پرداختند...» از جمله اعضای سرشناس انجمن: میرزا باجی خانم، خانم نواب سمعی، صدیقه دولت‌آبادی، منیره خانم، گلین خانم موقاف، افسر السلطنه و تاج‌السلطنه (دختران ناصرالدین شاه)، خانم نتوان خان، با دوچرخه خود را به محل انجمن رسانده و اعضا را در جریان موضوع قرار می‌دهد. در نتیجه اعضای حاضر در جلسه، متواری می‌شوند. نهایتاً انجمن نیز منحل می‌شود.

■ **انجمن مخدرات وطن**
پس از انحلال انجمن آزادی زنان، «انجمن مخدرات وطن» به ریاست بانو آغابگیوم، در سال ۱۲۸۹ تشکیل می‌شود. به گفته بدرالملوک بامداد، «صدیقه دولت آبادی، سمت رئیس انجمن مخدرات وطن» را بر عهده داشت. این انجمن هم هدف خود را دفاع از استقلال کشور، مخالفت با وام از بیگانگان و مصرف کالاهای خارجی و تبلیغ و مصرف کالاهای داخلی اعلام کرد. اما در پس این شعارها مجری اهداف غرب بود؛ چراکه برای اولین‌بار در ایران، اقدام به برگزاری مجالس ساز و آواز و رقص نمود؛ در این مجالس در کنار سخنرانی، نمایشنامه، برنامه‌های تفریحی و سرگرم‌کننده نیز توسط هنرمندان ارمنی اجرا می‌شد.

■ **انجمن غیبی نسوان**
در سال ۱۲۸۶، «اتحادیه غیبی نسوان» در تهران تأسیس شد، اما اطلاع دقیقی از اینکه چه کسانی این اتحادیه را تشکیل دادند، در دست نیست. گفته می‌شود که اعضای این اتحادیه، توجه خاصی نسبت به تصویب قوانین مشروطه داشته و نظرانشان را توسط روزنامه‌ها اعلام می‌کردند.

■ **انجمن حریت نسوان**
از دیگر انجمن‌هایی که در سال ۱۲۸۶ تأسیس می‌شود، «انجمن آزادی زنان» یا حریت‌نسوان است. از نکات جالب توجه در خصوص این انجمن، عضویت و شرکت مردان در جلسات آن است. از آنجا که زن ایده‌ال اینگونه انجمن‌ها، زن غربی بود، مؤسسان این انجمن به بهانه آموزش آداب معاشرت، حضور در جامعه و بالا رفتن اعتماد بنفس، از اعلام می‌کردند.

■ **انجمن غیبی نسوان**
در سال ۱۲۸۶، «اتحادیه غیبی نسوان» در تهران تأسیس شد، اما اطلاع دقیقی از اینکه چه کسانی این اتحادیه را تشکیل دادند، در دست نیست. گفته می‌شود که اعضای این اتحادیه، توجه خاصی نسبت به تصویب قوانین مشروطه داشته و نظرانشان را توسط روزنامه‌ها اعلام می‌کردند.

■ **انجمن غیبی نسوان**
در سال ۱۲۸۶، «اتحادیه غیبی نسوان» در تهران تأسیس شد، اما اطلاع دقیقی از اینکه چه کسانی این اتحادیه را تشکیل دادند، در دست نیست. گفته می‌شود که اعضای این اتحادیه، توجه خاصی نسبت به تصویب قوانین مشروطه داشته و نظرانشان را توسط روزنامه‌ها اعلام می‌کردند.

■ **انجمن غیبی نسوان**
در سال ۱۲۸۶، «اتحادیه غیبی نسوان» در تهران تأسیس شد، اما اطلاع دقیقی از اینکه چه کسانی این اتحادیه را تشکیل دادند، در دست نیست. گفته می‌شود که اعضای این اتحادیه، توجه خاصی نسبت به تصویب قوانین مشروطه داشته و نظرانشان را توسط روزنامه‌ها اعلام می‌کردند.

د

تأسیس نشریه **از سوی صدیقه دولت‌آبادی در شرایطی رخ داد که داشتن روزنامه سیاسی برای مردان نیز به سختی ممکن می‌گشت.** او که در مقالاتش وضعیت زنان کشورهای دیگر را به رخ زنان ایرانی می‌کشید، پس از تحصیل در دانشگاه سوربون و بازگشت به ایران در سال ۱۲۰۶، پرده از تفکرات حقیقی‌اش برداشت و از آن زمان، بدون چادر در مجامع عمومی حاضر شد. دولت‌آبادی با چنین اندیشه و گرایش فکری، در مهر ۱۳۰۷ و با سمت «نظارت تعلیمات نسوان»، به استخدام وزارت معارف و اوقاف درآمد و یک سال بعد به «مدیریت کل تفتیش مدارس نسوان» منصوب شد. او در سال ۱۳۱۵ به ریاست تشکلی رسید، که در از دیهشت ۱۳۱۴ به دستور رضاخان و بر مبنای ایجاد جمعیتی از زنان آزادی‌خواه تهرانی تشکیل شده بود. این کانون که با هدف تحقق بخشیدن به طرح کشف حجاب فعالیت خود را آغاز کرده بود، بعدها «کانون بانوان» نامیده شد. فعالیت‌های دولت‌آبادی در زمینه اشکاله بی‌جوابی آنچنان بود که در وصیثنامه‌اش می‌نویسد: «مرا از محل کانون بانوان به آرامگاه ایدیم ببرید و در مراسم تشییع جنازه، حتی یک‌زن‌با حجاب شرکت نکنند.»

■ **انجمن بیگ سعادت نسوان**

بعد از پیروزی انقلاب کمونیستی در روسیه در سال ۱۳۰۱ و گسترش تبلیغات آنان در شمال ایران، فعالیت‌هایی از سوی روس‌ها در شمال ایران صورت گرفت. بنابراین بعد از کنگره حزب کمونیست در باکو، انجمن «بیگ سعادت نسوان» در رشت و با مدیریت روشنگ روشنگ نودوست و عضویت جمیله صدیقی، سکینه شبرنگ، اورانوس پارباب و بری‌رخ نودی کسمایی تشکیل شد. البته پدرام کمالی، فرخنده نودی کسمایی و چند تن دیگر نیز، از مؤسسان این جمعیت بودند. آنان با راه‌اندازی مجله بیگ سعادت نسوان، کتابخانه، قرائتخانه و برگزاری سخنرانی و اجرای نمایش‌هایی، به گسترش تفکرات کمونیستی در میان زنان منطقه می‌پرداختند.

■ **انجمن پیداری زنان قزوین**

«انجمن پیداری زنان» که در سال ۱۳۰۱ در قزوین اعلام موجودیت کرد، شاخه اشعاب یافته «جمعیت نسوان وطنخواه» بود و تفکرات مارکسیستی داشت. مؤسسان این انجمن نسبت به رعایت حجاب، ابراز تأسف می‌کردند و هر ساله به مناسبت روز جهانی زن ۸ مارس، مراسمی برپا می‌داشتند.

■ **مجمع انقلابی نسوان شیراز**

زندخت شیرازی در ۱۳۰۶، انجمنی با نام «مجمع انقلابی نسوان» که بعدها به «نهضت نسوان» تغییر نام یافت را در شیراز تأسیس کرد. زندخت شیرازی سرودات نردیکی با عارف قزوینی و محمدعلی جمال‌زاده داشت و بسیاری تحت تأثیر آنان، و دیگر روشنفکران عصر خویش بود. از این روی زندخت برای گسترش افکارش در سال ۱۳۱۰، نشریه «دختران ایران» را تأسیس کرد. هدف این نشریه در این مجله خلاصه شده بود: «اروی کشور خنور ایران، بی‌داری زنان ایران است.» این نشریه به صورت اغلب اخبار فمینیستی کشورهای دنیا و مطالب ادبی منتشر می‌کرد، اما پس از هفت ماه، با حملات زنان طبقات بالایی جامعه را نقد می‌کشید و آنان را به جسارت در پیگیری خواسته‌ها و حقوقشان تشویق می‌کرد. زندخت شیرازی در یکی از اشعار فمینیستی خود می‌نویسد:

زن در این ملک بدین گونه بریشان تا چنند؟ دست‌وپا بسته و لبسته به زندان تا چنند؟ در این نشریه نویسنده‌گان دیگری چون: صدیقه دولت‌آبادی، کاظم‌زاده ایرانشهر، رشید یاسمی، سعید نفیسی، جمال‌زاده و دکتر هوشیار نیز مقاله می‌نوشتند.

■ **انجمن کانون بانوان**

پس از حضور خانواده رضاخان با وضعیت زنده در حرم حضرت معصومه(س) در نوروز ۱۳۰۶، عبور امام‌الله‌خان افغان به‌همراه همسرش ثریا و همراهانش در خرداد ۱۳۰۷ و در بازگشت به افغانستان، با لباس و کلاه اروپایی از شهرهای ایران، نشانه‌های ایش گرایش دربار پهلوی به کشف حجاب قوت بیشتری گرفت. در ۱۳۱۰ نیز مجلس شورای ملی، ورود هیئتی از نسوی «جامعه‌ملل» برای جلوگیری از آنچه «تجاوز به حقوق زن در شرق» خوانده می‌شد را صادر کرد. در این سال به دستور رضاخان به عنوان مظهری از تمدن یاد شد و در سبک اروپا، از دیگر عوامل زمینه‌ساز کشف حجاب در ایران عصر رضاخان بود. نهایتاً در سال ۱۳۱۴، رضاخان به‌علی‌صفر حکمت‌وزیر معارف، دستور برپایی جمعیتی از زنان آزادی‌خواه تهرانی را صادر کرد. بعدها این جمعیت به نام «کانون بانوان» نامیده شد. این کانون به ریاست شمس‌الهدی تحت‌نظارت وزارت معارف، در تاریخ ۱۳۱۲ دیهشت ۱۳۱۴ برای تحقق کشف حجاب تأسیس گردید که در کارنامه آن زیاد سخن رفته است.

۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۶۸۴۱

شرکت «آزمایش بانوان» را تشکیل داده است. وجود بعضی از قوانین خاص در شرکت او، مثل اینکه اگر دختری در سنین پایین ازدواج می‌کرد، حق نداشت دیگر در شرکت او کار کند، این فرضیه را بیشتر تقویت می‌کرد. علاوه بر آن تأسیس نشریه توسط دولت‌آبادی در شرایطی رخ داد که داشتن روزنامه سیاسی برای مردان نیز به سختی ممکن می‌گشت. او که در مقالاتش وضعیت زنان کشورهای دیگر را به رخ زنان ایرانی می‌کشید، پس از تحصیل در دانشگاه سوربون و بازگشت به ایران در سال ۱۲۰۶، پرده از تفکرات حقیقی‌اش برداشت و از آن زمان، بدون چادر در مجامع عمومی حاضر شد. دولت‌آبادی با چنین اندیشه و گرایش فکری، در مهر ۱۳۰۷ و با سمت «نظارت تعلیمات نسوان»، به استخدام وزارت معارف و اوقاف درآمد و یک سال بعد به «مدیریت کل تفتیش مدارس نسوان» منصوب شد. او در سال ۱۳۱۵ به ریاست تشکلی رسید، که در از دیهشت ۱۳۱۴ به دستور رضاخان و بر مبنای ایجاد جمعیتی از زنان آزادی‌خواه تهرانی تشکیل شده بود. این کانون که با هدف تحقق بخشیدن به طرح کشف حجاب فعالیت خود را آغاز کرده بود، بعدها «کانون بانوان» نامیده شد. فعالیت‌های دولت‌آبادی در زمینه اشکاله بی‌جوابی آنچنان بود که در وصیثنامه‌اش می‌نویسد: «مرا از محل کانون بانوان به آرامگاه ایدیم ببرید و در مراسم تشییع جنازه، حتی یک‌زن‌با حجاب شرکت نکنند.»

■ **انجمن بیگ سعادت نسوان**

بعد از پیروزی انقلاب کمونیستی در روسیه در سال ۱۳۰۱ و گسترش تبلیغات آنان در شمال ایران، فعالیت‌هایی از سوی روس‌ها در شمال ایران صورت گرفت. بنابراین بعد از کنگره حزب کمونیست در باکو، انجمن «بیگ سعادت نسوان» در رشت و با مدیریت روشنگ نودوست و عضویت جمیله صدیقی، سکینه شبرنگ، اورانوس پارباب و بری‌رخ نودی کسمایی تشکیل شد. البته پدرام کمالی، فرخنده نودی کسمایی و چند تن دیگر نیز، از مؤسسان این جمعیت بودند. آنان با راه‌اندازی مجله بیگ سعادت نسوان، کتابخانه، قرائتخانه و برگزاری سخنرانی و اجرای نمایش‌هایی، به گسترش تفکرات کمونیستی در میان زنان منطقه می‌پرداختند.

■ **انجمن پیداری زنان قزوین**

«انجمن پیداری زنان» که در سال ۱۳۰۱ در قزوین اعلام موجودیت کرد، شاخه اشعاب یافته «جمعیت نسوان وطنخواه» بود و تفکرات مارکسیستی داشت. مؤسسان این انجمن نسبت به رعایت حجاب، ابراز تأسف می‌کردند و هر ساله به مناسبت روز جهانی زن ۸ مارس، مراسمی برپا می‌داشتند.

■ **مجمع انقلابی نسوان شیراز**

زندخت شیرازی در ۱۳۰۶، انجمنی با نام «مجمع انقلابی نسوان» که بعدها به «نهضت نسوان» تغییر نام یافت را در شیراز تأسیس کرد. زندخت شیرازی سرودات نردیکی با عارف قزوینی و محمدعلی جمال‌زاده داشت و بسیاری تحت تأثیر آنان، و دیگر روشنفکران عصر خویش بود. از این روی زندخت برای گسترش افکارش در سال ۱۳۱۰، نشریه «دختران ایران» را تأسیس کرد. هدف این نشریه در این مجله خلاصه شده بود: «اروی کشور خنور ایران، بی‌داری زنان ایران است.» این نشریه به صورت اغلب اخبار فمینیستی کشورهای دنیا و مطالب ادبی منتشر می‌کرد، اما پس از هفت ماه، با حملات زنان طبقات بالایی جامعه را نقد می‌کشید و آنان را به جسارت در پیگیری خواسته‌ها و حقوقشان تشویق می‌کرد. زندخت شیرازی در یکی از اشعار فمینیستی خود می‌نویسد:

زن در این ملک بدین گونه بریشان تا چنند؟ دست‌وپا بسته و لبسته به زندان تا چنند؟ در این نشریه نویسنده‌گان دیگری چون: صدیقه دولت‌آبادی، کاظم‌زاده ایرانشهر، رشید یاسمی، سعید نفیسی، جمال‌زاده و دکتر هوشیار نیز مقاله می‌نوشتند.

■ **انجمن کانون بانوان**

پس از حضور خانواده رضاخان با وضعیت زنده در حرم حضرت معصومه(س) در نوروز ۱۳۰۶، عبور امام‌الله‌خان افغان به‌همراه همسرش ثریا و همراهانش در خرداد ۱۳۰۷ و در بازگشت به افغانستان، با لباس و کلاه اروپایی از شهرهای ایران، نشانه‌های ایش گرایش دربار پهلوی به کشف حجاب قوت بیشتری گرفت. در ۱۳۱۰ نیز مجلس شورای ملی، ورود هیئتی از نسوی «جامعه‌ملل» برای جلوگیری از آنچه «تجاوز به حقوق زن در شرق» خوانده می‌شد را صادر کرد. در این سال به دستور رضاخان به‌علی‌صفر حکمت‌وزیر معارف، دستور برپایی جمعیتی از زنان آزادی‌خواه تهرانی را صادر کرد. بعدها این جمعیت به نام «کانون بانوان» نامیده شد. این کانون به ریاست شمس‌الهدی تحت‌نظارت وزارت معارف، در تاریخ ۱۳۱۲ دیهشت ۱۳۱۴ برای تحقق کشف حجاب تأسیس گردید که در کارنامه آن زیاد سخن رفته است.

تاج سلطنه، دختر ناصرالدین شاه قاجار